



شماره ثبت
۱۳۷۹

سازمان مردم نهاد فانوس

یادنامه نهادها مردنی

(به بهانه بزرگداشت سالروز تاسیس
سازمان مردم نهاد فانوس)

فهرست

- ۱..... معرفی سازمان مردم نهاد فانوس
- ۲..... گره‌گشایی از موقعیت های بن بست با سازمان های مردم محور
- ۳..... باسلام به یاران فانوس و همه ی دوستان
- ۳..... یادداشت دریافتی از دکتر محمد رضا نیستانی
- ۴..... مطالعه در ایران
- ۵..... گفت وگوهای ناگفت وگو
- ۶..... لزوم توجه به پراکنش قومیتی -زبانی در مدیریت مطالعه در کشور
- ۷..... سه تجربه در یک تجربه
- ۷..... فانوس، گستره‌ای از توسعه انسانی تا مشارکت اجتماعی

شماره ثبت
۱۳۷۹

سازمان مردم نهاد فانوس

معرفی سازمان مردم نهاد "فانوس"

فهیمة صیادی / دبیر اجرایی بزرگداشت

فانوس "سازمانی است مردم نهاد، غیر سیاسی، غیر دولتی و مستقل که فعالیت خود را از ابتدای سال ۱۳۹۵ جهت ارتقاء شاخص‌های فرهنگ شهروندی و آموزش و ترویج این شاخص‌ها آغاز کرده است. مهم‌ترین رویکرد "فانوس" برگزاری جلسات جمع‌خوانی و بررسی کتاب در روز شنبه هر هفته است. حوزه فعالیت این سازمان مردم نهاد، استان خوزستان می‌باشد و در سال ۱۳۹۶ اولین شعبه آن در شهرستان بهبهان فعالیت خود را آغاز کرده است. یکی از شاخص‌ترین برنامه‌های فانوس در سال ۹۶، اجرای نذر کتاب در دو مدرسه ابتدایی بوده که طی ۶ جلسه و با بهره‌گیری از فعالیتهای مشارکت محور و هدفمند، کتابهایی که ضمن مشورت با کارشناسان حوزه کودک و از محل نذورات مردمی خربداری شده بود بین دانش‌آموزان این دو مدرسه توزیع شد. در این جلسات، تلاش شد فعالیتهای به‌گونه‌ای اجرا شوند که دانش‌آموزان علاوه بر تمرین کارگروهی با کتاب ارتباط برقرار کرده و نسبت به مطالعه تشویق شوند. آشنایی خانواده اعضای فانوس با چگونگی فعالیت فانوس، معرفی فانوس به مدیران، مسئولان و علاقمندان کتاب و کتاب‌خوانی و فعالیتهای حوزه شهروندی و همچنین دعوت از همشهریان جهت شرکت در فعالیتهای برنامه‌های این سازمان مردم نهاد از اهداف این بزرگداشت است.

گره‌گشایی از موقعیت های بن بست با سازمان های مردم محور

ناصر فکوهی استاد انسان شناسی دانشگاه تهران / مدیر موسسه انسان شناسی و فرهنگ

انتشار یک روزنامه اینترنتی، نوشتن داستان، بحث و تبادل نظر درباره وقایع جهان و ایران، استفاده از استعداد های خود و تقویت آنها و بالا بردن قابلیت های کار جمعی و تلاش مشترک برای بهتر شدن وضعیت خود و دیگران، کاری شدنی است. و در برابر کسانی که معتقدند که چنین شرایطی ممکن نیست و هیچ کار نمی توان کرد می توانیم شاهد بیاوریم که هم اکنون در سراسر ایران، هزاران سازمان مردم محور در زمینه های مختلف به کار مشغول هستند. مسئله در آن است که با توجه به ظرفیت های موجود در جامعه حرکت کنیم و این سازمان ها را پوششی برای مطالباتی از جنسی دیگر نکنیم. و به خصوص تحت هیچ شرایطی، ولو برای مقابله با خشونت به سوی خشونت نرویم. بازی خشونت یک بازی باخت-باخت است به ویژه برای طرف ضعیف تر و این قانونی است که صدها و بلکه هزاران بار در تاریخ تکرار شده است. فراموش نکنیم که موقعیت در سه سطحی که گفتیم در هر سه آنها حاضرند و می توانند از فعالیت های مدنی جلوگیری کنند. بنابراین اگر در کار خود صادق باشیم و به جای حرکت به سوی مطالبات حداکثری و ناممکن، مطالبات حداقلی و ممکن را هدف بگیریم و ترسی از انتقادات سطحی گروهی از مدعیان جاهل منش راست و چپ، یا گروهی از تحریک کنندگان حرفه ای که هدف از میان بردن دستاوردهای دموکراتیک و بازگشت به موقعیت های پیشین را در سر دارند، نداشته باشیم، بی شک موفق خواهیم شد. از این رو برای شما آرزوی موفقیت و تداوم در کارتان را دارم.

۱۵ تیر ۱۳۹۷

موقعیت کنونی جهان، منطقه خاورمیانه و کشور ما، در هر سه سطح بحرانی است. این بحران در گستره های از مسائل و مشکلات، از موقعیت های اقلیمی حاصل بی مسئولیتی در توسعه صنعتی گرفته، تا بحران های هویتی، افزایش ناامنی های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، تا بحران های مهاجرت و پناهندگی اجتماعی، تا افزایش گسست های بین نسلی، فقیر و غنی و فاصله میان کشورهای توسعه یافته و توسعه یافته، و در کشور ما، در گستره بزرگی از فاصله افتادن میان مطالبات به حق مردم و قابلیت های موجود یا اراده های سیاسی مسئولان در پاسخ دهی به آنها، تداوم دارند و این فهرست را می توان تا بی نهایت ادامه داد. در برابر این بحران ها، وسوسه نخست، ساده ترین راه حل، و هر چه بیشتر ظاهراً «تنها» راه ممکن، تلاش برای دگرگونی اوضاع در کوتاه ترین زمان ممکن و از خلال یک روایت بزرگ زبرور و شدن مشکلات است: یک رویای زیباشدن همه چیز با یک تغییر سیاسی. این رویا، همان اتوپیایی است که بسیار از آن شنیده ایم و هر روز می شنویم. شکی نیست اتوپیاها، از موتورهای بزرگ تاریخ و تحولات آن بوده اند اما به این دلیل نمی توان آنها را واقعی دانست. حقیقت در آن است که هیچ نظامی به ویژه در هزار توه های پیچیده سازوکار های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی بر ساخته شده در طول ده ها و بلکه صدها سال تجربه زیستی - فرهنگی را نمی توان با یک «واقعه»، هر واقعه ای، ولو بالاترین حد از حسن نیت تغییر داد. دگرگونی البته همیشه ممکن است. اما این امکان رابطه ای مستقیم با پایداری و اصرار بر تمایل به دگرگونی برغم مشکلات دارد و این در تجربه صد سال اخیر جهان تنها و تنها از خلال یک گونه از سازمان اجتماعی تحقق یافته است. این نهاد، نه دولت است، نه احزاب سیاسی، نه اندیشه های روشنفکرانه و کتاب های بزرگ فکری و آثار بی همتای هنری، بلکه ساختاری بسیار قابل دسترس تر برای همه مردم، در هر موقعیتی باشند، است: سازمان های مردم محور. امروز، مردم ما در هر کجا باشند، از دور افتاده ترین نقاط کشور و محروم ترین نقاط تاغنی ترین نقاط با بیشترین امکانات، به خصوص با توجه به امکانات دموکراتیزه شدن فناوری اطلاعاتی، قادرند سر نوشت خود را در چارچوب قابلیت های موجود به دست بگیرند.

باسلام به یاران فانوس و همه‌ی دوستان

قاضی مرادی

تاریخ معاصر ایران با فعالیت‌های کم‌وبیش گروه‌ها و انجمن‌هایی در آمیخته‌ی این اواخر «سازمان‌های مردم‌نهاد» خوانده می‌شوند. پیدایش انجمن‌های مشروطه‌طلب در دوره‌ی آغازین این مرحله‌ی تاریخی تأثیر تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد نهضت مشروطه و تعمیق آن به جای گذاشت. با انجمن‌های مردم‌نهاد مشروطه نقش عاملیت سیاسی-اجتماعی در تحولات ایران بسیار اهمیت یافت. وجهی از انقلاب مشروطه دغدغه‌ی تأسیس نهاد «دولت-ملت» بود. در آن مرحله‌ی تاریخی، بالطبع، «دولت‌سازی» نسبت به «ملت‌سازی» در اولویت قرار گرفت تا پس از تحقق دولت مدرن، ملت‌سازی پیش برده شود. همین دغدغه موجب شد در آن دوره رویکرد «دولت‌محوری» بر انجمن‌های صدر مشروطه مسلط شود. در پی به بن‌بست رسیدن دولت مشروطه و استقرار اقتدارگرایی، همین رویکرد دولت‌محوری به شکلی دیگر در سلطنت رضاشاه تداوم یافت و ماندگار شد.

دستاوردهای سازمان‌های مردم‌نهاد بعد از انقلاب ۱۳۵۷ همراه با رویکرد انتقادی به فعالیت‌های پیشین و اهمیت یافتن دغدغه‌ی ملت‌سازی در این چند دهه به کمرنگ شدن رویکرد «دولت‌محور» و جایگزینی آن با رویکرد «جامعه‌محور» در این سازمان‌ها انجامید. این مسئله بیش از پیش به ادراک در آمد که روند دموکراسی‌سازی، از جمله، مستلزم غلبه‌ی رویکرد «جامعه‌محور» در سازمان‌های مردم‌نهاد جامعه‌ی مدنی است.

با چنین دریافتی است که چون از دور و نزدیک جویای فعالیت‌های انجمن شما هستم در می‌یابم رویکرد «جامعه‌محور» در آن غالب است. چنین رویکردی بر انگیزنده‌ی خودانگیختگی و مسئولیتی در میان شماست که بنیان تداوم و اعتدالی انجمن فانوس است. باشوق همراهی تان، به موفقیت شما در انتخابی که کرده‌اید امیدوارم.

یادداشت دریافتی از دکتر محمد رضانیستانی

در زمانه‌ای که امیداندیشیدن و فهمیدن در خواب رفته و بسیاری در تنگنای ناآگاهی و ناانتقادی سر فرو برده‌اند، «فانوس» در بین روح و جان تک تک اعضای خود چونان خورشید می‌درخشد. هانا آرنت، فیلسوف شهیر آلمانی در کتاب وضع بشر از دو گونه زندگی سخن می‌گوید: یکی زندگی وقف عمل و دیگری زندگی مصروف تفکر و ژرف‌اندیشی. بالاترین مظهر زندگی-گذشته از کار و مشقت روزانه برای تأمین معاش زنده ماندن-کنش اجتماعی است، یعنی فعالیتی که انسان‌ها از آن راه از جبر طبیعی حاکم بر زندگی روزانه تعالی بجویند، با دیگران وارد گفت و گو شوند، بنیادی نو بگذارند و اثری ممتاز از خود در جهان ایجاد کنند. فقط این گونه فعالیت یا منش بیانگر استعداد و توان آدمی برای آزادزیستن و بالاتر رفتن از دغدغه‌های روزانه و به یادگار گذاشتن دستاوردی مشخصاً انسانی است و شامل اموری می‌شود همچون بحث و استدلال و اقناع و ابتکار و قیام در راه هدف و آرمان و اعتراض به شر.

«فانوس» زندگی معطوف به تفکر و با هم‌اندیشیدن را برگزیده است. واقعاً در زمانه‌ی نااندیشه‌گر ماکیست که به انتخاب شما برای برتر زیستن و به شور و نشاط اندیشیدن تان غبطه نخورد؟

۱۸ تیر ماه ۱۳۹۷، دوست کوچک شما، محمد رضانیستانی

مطالعه در ایران

فاطمه سیار پور_ کارشناس ارشد انسان شناسی دانشگاه تهران و عضو شورای مرکزی انجمن انسان شناسی و فرهنگ

چند سال پیش و به فاصله یک یا دو نسل عقب تر، قبل از آنکه مدارس جدید در ایران فراگیر شوند، «شاگردان مکتب خانه» بوستان و گلستان و دیوان حافظ و قرآن می آموختند و داشتن سواد با توانایی خواندن و نوشتن چنین کتاب های سنگینی برابری می کرد. اما نسل کنونی مدام با گوشی های هوشمند خود سرگرم است و اگر جایی باشد که اینترنت دم دستش باشد، گویی به مراد دل و خواسته قلب و عقلش رسیده است. افراد امروز به سرعت نور می توانند انواع محتواها را که در گوشه و کنار دنیا منتشر می شود، بخوانند اما کمتر کسی را در میان ایرانیان می توان یافت که بتواند کتاب های ادبیات کلاسیک فارسی را درست بخواند یا بنویسد. بنابراین چه بخواهیم یا نخواهیم فناوری دنیا را تغییر داده و امروزه دیگر سواد به معنای دیکته درست نوشتن از روی کلیله و دمنه نیست، اما جالب اینجاست نسلی که به سرعت می خواند به سرعت هم فراموش می کند! مثلاً اگر از افراد پرسیده شود آخرین باری که به یکی از شبکه های اجتماعی گوشی ات سرزدی و مطلبی خواندی، آن مطلب چه بود، محتمل تر است که یادش نیاید. به همین دلیل ما با انسان هایی طرف هستیم که می خوانند، اما آنچه می خوانند نه عمیق است و نه گره گشا؛ نه به خاطر می سپارند و نه ملکه عملشان می شود و در یک کلام یعنی کتاب نمی خوانند! جالب تر است که این دست افراد فیلم بازیر نویس هم می بینند که خود معادل یک کتاب چند صد صفحه ایست و مدام اخبار و مطالب گوناگون را می خوانند که حتی نمی توانند تشخیص دهند درست است یا نه، اما در هر صورت کتاب نمی خوانند.

اما همه تقصیرها نه گردن فناوریست و نه به کم حوصلگی مخاطبان باز می گردد. باید حق بدهیم که امروزه کتاب خوب هم کم پیدا می شود و در بازار آن مانند بازارهای دیگر، همه جور جنسی یعنی همه مدل کتابی پیدا می شود. مثلاً کتاب فاخر کتابیست که جلد و چاپ گران قیمتی دارد، اما ممکنست محتوایش هیچ باشد. البته خیلی از کتاب ها هم هستند که نه ظاهر فاخر دارند و نه محتوای خاصی درونشان یافت می شود، این قبیل کتاب ها که بیشتر شامل شبه روانشناسی ها و شبه عرفان ها هستند، متأسفانه فراوانند و بازگویی کپی از یکدیگر هستند.

از سوی دیگر آنقدر بازار ترجمه داغ است که مثلاً در دسته کتاب های علوم انسانی، از یک متفکر ده ها کتاب شبیه هم ترجمه شده که هیچ یک حرفی بالاتر از قبلی ندارد. حالا بماند که زبان اصلی متفکر مثلاً آلمانی یا فرانسویست ولی مترجم کتاب را از انگلیسی ترجمه می کند! در این میان اگر خود ترجمه را هم واکاوی کنیم به نظر می رسد به یک بحران می رسیم؛ بحرانی که نه مخاطب می فهمد چه می خواند و نه مترجم خودش فهمیده چه چیزی را ترجمه کرده است! چون اگر مترجم کمی ادبیات خوانده باشد و جمله بندی و ویراستاری بداند، هرگز یک کتاب را بی سرو ته ترجمه نمی کند و مخاطب را از خواندن گریز نمی دهد.

حالا در این بازار پیدا شدن مخاطبی که بداند چه می خواند، برنامه مطالعاتش چیست، کتاب بعدی که باید بخواند کدامست و این قبیل پرسش هادر حدکیمیاست!

گفت وگوهای ناگفت وگو

حسین عباسی

گفت وگویی واقعی (DIALOGUE) شرایطی دربردارد، که هیچ یک از گفت وگوهای بیان شده در دیوان پروین اعتصامی را شامل نمی‌شود: "آگاهی دقیق و گسترده از موضوع؛" "بی طرفی و انصاف؛" "احترام گذاردن به باورهای دیگران" از شرایط عمومی گفت وگوکنندگان است، که در دیوان پروین، مورد لحاظ نبوده است. از شرایط ضروری گفت وگویی واقعی در روزگار ما، باید به "عدم ضرورت نتیجه‌گرایی"، "عدم عیب جویی و جدال و جدل" و "رعایت نسبت سطح و مقام دو طرف" گفت وگوکننده اشاره نمود، که نباید فرودستانه و فرادستانه باشد. باین که میان مولوی و پروین اعتصامی چندین سده فاصله است، هر دو توأمان از شگرد گفت وگو برای نقد جامعه‌ی خویش سود جسته اند. ملای رومی نوشت:

واژگان - خواه اصیل و خواه دخیل - همواره - و از آغاز به کارگیری تا به امروز در یک معنا به کار نرفته‌اند، بل به فراخور نیازهای زبانی و زمانی، جامعه عوض نموده، قالب تهی کرده‌اند. اصطلاحی مانند "گفت وگو"، "جدل"، "مناظره"، "مباحثه"، "جروبحث"، "گفت و شنود" و جز این‌ها، کاربردهای متفاوتی در گذشته و حال داشته و دارند و به اصطلاح، تطوّر معنایی یافته‌اند، اما ضرورتاً هیچ یک به معنای "گفت وگو" (به انگلیسی: DIALOGUE؛ به عربی: حوار) مورد نظر و نیاز جامعه‌ی ما نیست. از این رو، شاعران ما گاه، بل بسا - گفت وگوران کوهپایه‌اند:

نخوانده فرق سر از پای عزم گو کردیم نکرده پرسش چوگان
 هوای گو کردیم به کار خویش نپرداختیم نوبت کار تمام عمر نشستیم و گفت
 وگو کردیم (پروین اعتصامی)

محتسب در نیم شب جایی رسید در بن دیوار مستی خفته دید

گفت: "هی مستی چه خوردستی بگو" گفت: "ازین خوردم، که هست اندر سبو"

گفت: "آخر در سبو و آگو که چیست؟" گفت: "از آنک خورده‌ام." گفت: "این خفی است!"

گفت: "آنچه خورده‌ای آن چیست آن؟" گفت: "آنک در سبو مخفی است آن!"

دور می شد این سؤال و این جواب ماند چون خر محتسب اندر خلاب.

پروین نیز - به سان ملای جهانی ما - بر ضرورت گفت وگو تأکید فراوان داشت، ولی گفت وگوهایش - نه دیالوگ - که "حوار الطرّشان" (گفت وگویی دو کر و لال) یعنی "ناگفت وگو" بود:

محتسب، مستی به ره دید و گریبان اش گرفت مست گفت: "ای دوست، این پیراهن است، افسار نیست!"

گفت: "مستی، زان سبب افتان و خیزان می روی!" گفت: "جرم راه رفتن نیست، ره هم وار نیست!"

گفت: "می باید تو را تا خانه‌ی قاضی برم!" گفت: "رو صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست!"

گفت: "نزدیک است والی را سرای، آن جاشویم!" گفت: "والی از کجادر خانه‌ی خمار نیست!"

گفت: "تا داروغه را گوئیم، در مسجد بخواب" گفت: "مسجد خواب‌گاه مردم بدکار نیست!"

گفت: "دیناری بده پنهان و خود را وارهان!" گفت: "کار شرع، کار درهم و دینار نیست!"

گفت: "از بهر غرامت، جامه‌ات بیرون کنم!" گفت: "پوسیده است، جز نقشی ز پود و تار نیست!"

گفت: "آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه!" گفت: "در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست!"

گفت: "می بسیار خوردی، زان چنین بی خود شدی" گفت: "ای بی هوده‌گو، حرف کم و بسیار نیست!"

گفت: "باید حد زند هشیار مردم، مست را!" گفت: "هشیاری بیار، این جاکسی هشیار نیست!"

پروین خود اهل گفت وگو بود - دست کم گفت وگو با خویش را به خوبی می‌شناخت و حدیث نفس اش را بارها و بارها برای ما بازگو کرده، حتّاً برای مرگ خویش، چکامه‌ای سروده، ولی بانوی شاعر ایران زمین، اگر چه از واژه‌ی ارجمند گفت وگو و مانند آن بهره برده، در شعرهایش یک گفت وگویی واقعی در میان نیست، بل که آن چه در قطعات و قصاید وی هست "جدل" و "جدال" و "پرسش‌های بی پاسخ" و "پاسخ‌های نیم‌بند" و "مونولوگ" اند - تا ایماژهایی دقیق از اوضاع بی سامان عصر خویش ارائه دهد.

از مرگ مولوی بلخی و پروین اعتصامی سالیان سال می‌گذرد. این دو شاعر سترگ، آسیب‌های "ناگفت وگو" را بارها و بارها برای ما به تصویر کشیده، گوش زد کرده‌اند. اکنون آیا وقت آن نرسیده، به "دیالوگ" بنشینیم و "دیگری" را نه "دشمن"، که یک آینه‌ی تمام نمایانگاریم! این "دیگری"، که حتّاً شامل "خود" ماست.

لزوم توجه به پراکنش قومیتی - زبانی در مدیریت مطالعه در کشور فانوس پیشرو در معرفی ادبیات عرب

قاسم منصور آل کثیر عضو موسسه انسان شناسی و فرهنگ

طبق آمار رسمی، طی چهار ماه گذشته نزدیک به ۱۰۰ هزار کتاب در حوزه ادبیات به مخاطبان خوزستانی از سوی کتابخانه های عمومی امانت داده شد که اتفاق و خبر بسیار خوبی است. با توجه به شناختی که از وضعیت پراکنش قومی و زبانی در استان وجود دارد، می دانیم به طور کلی جامعه عرب علاقه چشم گیری به مطالعه ادبیات دارند. متأسفانه نهاد کتابخانه های کشور پیوست های اجتماعی از جمله زبان، قومیت، مذهب و... در سیستم ساختار توزیع کتاب به استان ها را در نظر نمی گیرد.

نهاد کتابخانه های کشور در تهران به طور یکسان کتاب هایی را برای اراک، کردستان، سیستان و بلوچستان و خوزستان و... را بدون اینکه توجهی به مباحث و مسئله های اجتماعی جغرافیای ذکر شده را در نظر بگیرد، ارسال می کنند.

پیشنهاد می شود با توجه به وجود چشم گیر علاقمندان به ادبیات عرب در استان و حتی دیگر استان های کشور، نهاد کتابخانه های کشور در مخازن کتابخانه های عمومی سعی در ایجاد توازن بین کتاب ها با محوریت زبان را داشته باشند. به نظر می رسد با رونق کتب عربی در خوزستان بر آمار مطالعه افزوده شود.

تجربه ی سازمان های مردم نهاد استان از جمله سازمان مردم نهاد "تدای تغییر" که در حوزه ترویج کتاب و کتابخوانی در رده سنی نوجوانان فعالیت می کند طبق گزارش اخیری که منتشر کردند در مسابقه کتابخوانی ای که بین ۱۲ روستا برگزار کرد، ۵۰ اثر داستان نویسی به زبان عربی دریافت کرد که این رویداد می تواند در حوزه مطالعه یا آموزش و پرورش مسئله ی بسیار مهم و جدی باشد. متأسفانه با چنین رویکردهای بی توجهی به سایر زبان ها باعث ایجاد نوعی "بی سوادی در زبان" میان اقوام شده ایم و این بی سوادی حتی در "فرا تحصیل" نیز مشهود است.

با بالا رفتن قابلیت «سواد» در خواندن و نوشتن، می توان بسترهای بهتری برای ارتقای فرهنگ داشت.

مخاطبان زبان های مختلف در کشور مجبورند برای تأمین سبب فرهنگی خود سالی یکبار منتظر برپایی نمایشگاه کتاب تهران باشند تا کتب مورد نیاز خود خصوصاً زبان های عربی و کردی را از انتشاراتی های کشورهای میهمان در نمایشگاه تأمین کنند.

در ایران دائماً از اندیشمندانی چون فوکو، دریدا، لاکان، ژیزک، بور دیو، و... صحبت می شود بدون آنکه کسی به خودش زحمت بدهد که لااقل زبان آنها را بخواند و بفهمد. همچنین در موضوعات دینی، تاریخی و اجتماعی نیز که ادبیات عرب به شدت می تواند مهم باشد برای فهم آن موضوعات اما اراده جمعی در دانشگاه ها یا میان نخبگان برای توجه و لزوم مطالعه و نشر و توزیع کتب ادبیات عرب دیده نمی شود.

خوشبختانه سازمان مردم نهاد "فانوس" جزء پیشگامان در معرفی ادبیات عرب جهان است که به شکلی "رسمی" در سال ۹۷ معرفی و نقد و بررسی کرد.

امیدوارم این سازمان الگویی باشد برای دیگر مجموعه های فرهنگی...

سه تجربه در یک تجربه

مهدی مکاری

اگر باید به فهم مشترکی از جهان امروز برسیم و موقعیت مان را در جهان بشناسیم و مسیر امروز و فردایمان را درست تعیین کنیم نیازمند این کنش جمعی و عقلانی هستیم. اینها سه تجربه مشترک اعضای فانوس هستند که عادتواره های شان را شکل خواهند داد و چه خوبست اگر ساخت ذهنی و در نتیجه ساختارهای عینی مولود اعضای جامعه ما حاصل این تجربه های مشترک باشد. این تجربه های مشترک را باید به فال نیک گرفت و پاس داشت و ارج و نام نهاد و چه نامی بهتر از فانوس برای جایی که در پرتو آن هم کتاب می خوانند، هم می اندیشند و هم گفتگو می کنند.

اگر از من پرسند از "فانوس" چه شنیده ای و می دانی، تنها یک جمله به ذهنم خطور می کند؛ باهم کتاب می خوانند. اما این باهم کتاب خواندن برای فانوس بدستان دربردارنده ی سه تجربه خوب در این کنش جمعی است؛ "خواندن، اندیشیدن و گفتگو کردن" که هر یک زوایایی از تاریکی و جهل های ماراروشنایی می بخشند. این سه در پیوستگی باهم سازنده ی یک کنش ارتباطی هستند که نیاز امروز جامعه ی ما هم هست. گفتگو، بدون خواندن، حاصلش مجادله های ناتمام و دورکننده است. خواندن بدون اندیشیدن چندان فایده ای ندارد و اندیشیدن بدون خواندن هم زیانبار است.

فانوس، گستره ای از توسعه انسانی تا مشارکت اجتماعی

رضافریدونی / مدیر عامل سازمان مردم نهاد فانوس

در آستانه شروع سال سوم فعالیت سازمان مردم نهاد فانوس هستیم، سازمانی که اگر تعریف (نظامی با فعالیت مستمر که هدف خاصی را دنبال می کند) را مبنا قرار دهیم در حوزه امور اجتماعی، موضوع حقوق شهروندی و با تکیه بر سه زیر بخش دانش شهروندی، نگرش شهروندی و مهارت های شهروندی پایه جغرافیای اجتماعی استان خوزستان نهاد و اکنون تبدیل به مجموعه ای منسجم شده است که به جرات میتوان گفت با تکیه بر اصل "تقدم جامعه مدنی بر دیگر شئون آن"، یکی از اجزا موثر سپهر عمومی در استان خوزستان می باشد.

سازمان مردم نهاد ترجمه "سازمان غیر دولتی" است که در ادبیات عامیانه به صورت مصطلح "سمن" مورد کاربرد قرار می گیرد. علی رغم آنکه چنین سازمان هایی سابقه ای دیرین در بررسی های جامعه شناسی سیاسی، پژوهش ها و مطالعات آکادمیک اجتماعی دارند اما توجه مستقلانه و با آگاهی به ماهیت آنها تنها مدت زمان کوتاهی است که معمول گردیده است. این تاخیر هم به دلیل عدم تکوین دانش و روشی نظام مند در تحلیل این پدیده اجتماعی بوده و هم به سبب آنکه دست کم تا دو دهه پیش موضوعیتی برای توجه در پژوهش های سیاسی و اجتماعی نداشته است.

واکاوی و بررسی سازمان های مردم نهاد از زوایای متعددی انجام می پذیرد. مطابق با اهداف و روش های معمول در دانش سیاسی می بایست ابعاد سیاسی و اجتماعی عملکرد سازمان های مردم نهاد مورد توجه قرار گیرند، که از منظر اجتماعی موضوعات توسعه منابع انسانی و اصل مشارکت اجتماعی و از بعد سیاسی، همه آن پیوندهایی که سازمان های مردم نهاد با دولت و قدرت سیاسی ایجاد می کنند، می بایست در کانون توجهات و بررسی ها قرار گیرند.

این پیوندها به واسطه ساختارها و کارکردهایی که سازمان های مردم نهاد دارند، نقش تاثیرگذاری در ورود مردم به روندهای مشارکت سیاسی، توانمندسازی نظام سیاسی از طریق بر عهده گرفتن بخشی از نقش های آن، نظارت بر نهاد دولت از طریق تقویت نهاد های مدنی و بالاخره توانمندسازی شهروندان، آموزش آنان و جامعه پذیری سیاسی ایفای می کنند.

صرف نظر از کلیات یاد شده می توان گفت، سازمان های مردم نهاد با تکیه بر اصل آموزش مشارکتی و گسیل منابع مختلف و متفاوت قادر هستند از طریق فرآیند توسعه منابع انسانی که برآیند تعامل حاکمیت و سازمان های مردم نهاد است، توسعه انسانی و متعاقباً مشارکت اجتماعی را در کشور تسهیل نمایند.

بیستم تیر ماه ۱۳۹۷